

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال پنجم، شماره‌ی بیستم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۴-۱

کماندار، اومفالوس و اورنگ: بازشناسی دلالت ضمنی سه نماد بر سکه‌های اشکانی

صفورا برومند*

چکیده

به‌رغم کمبود منابع دست اول در دوره اشکانی (۲۲۴ م. - ۲۴۷/۵۰ پ. م.)، مجموعه‌های متنوعی از سکه‌های اشکانی در دست است که به علت ویژگی‌های خاص؛ اطلاعات منحصر به فرد و ارزشمندی از این دوران را در اختیار پژوهشگر تاریخ اشکانیان، قرار می‌دهد. از این رو، در پژوهش حاضر، با استفاده از دو دانش سکه‌شناسی و نشانه‌شناسی، ضمن معرفی و بررسی نمونه‌هایی از نخستین سکه‌های اشکانی تا پایان دوران حکمرانی مهرداد دوم (حک. ۸۸ پ. م. - ۱۲۳ پ. م.)، روند کاربرد سه نماد کماندار، اومفالوس و اورنگ؛ شناسایی، بازخوانی و تفسیر می‌شود. حاصل این پژوهش، حاکی از استفاده آگاهانه اشکانیان از خویشکاری نمادهای یونانی، تغییر دادن این نمادها در جهت تثبیت سنن بومی و استفاده از دلالت ضمنی این سه نماد در تبیین مشروعیت حکومت اشکانیان است. واژه‌های کلیدی: سکه‌های اشکانی، سکه‌شناسی، نشانه‌شناسی، دلالت ضمنی، اشک اول، مهرداد دوم، مشروعیت.

* استادیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ایمیل:

(s.borumand@ihcs.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱ - تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۶/۱

مقدمه

به‌رغم کمبود منابع مکتوب و شواهد باستان‌شناختی، تعداد درخور توجهی از سکه‌های اشکانی در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شود. معرفی ویژگی‌های ظاهری و تصویری این سکه‌ها از نظر مطالعات سکه‌شناختی و تعیین عناصر تصویری، نمادها و نشانه‌های باز یافته در آنها، مبتنی بر مطالعات نشانه‌شناختی، طرح مباحث جدیدی در تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دوره اشکانی را به دنبال دارد. در این پژوهش، با استفاده از سکه‌هایی که پس از به قدرت رسیدن اشکانیان (حدود ۲۴۸/۷ پ.م) تا پایان دوران حکمرانی مهرداد دوم، یعنی حدود سال ۸۸ پیش از میلاد، ضرب شده‌اند؛ شیوه استفاده از نمادهای بومی و یونانی در کنار یکدیگر بررسی می‌شود. ابتدا، سکه‌ها به روش مطالعات سکه‌شناختی^۱ انتخاب و سپس با تکیه بر مطالعات اسطوره‌شناختی و نشانه‌شناختی تحلیل می‌شوند.

آنچه از نظر مطالعات نشانه‌شناسی در این مقاله مطرح می‌شود، مبتنی بر تعریف فردیناند دو سوسور^۲ (۱۹۱۳-۱۸۳۹ م.)، زبان‌شناس سوئیسی، از نشانه^۳ و کارکرد آن است. دو سوسور برای نشانه، دو وجه را در نظر می‌گیرد که عبارتند از: دال^۴ یا تصور صوتی و مدلول^۵ یا مفهومی که دال به آن دلالت می‌کند. بدین ترتیب، دال به منزله شکلی است که نشانه به خود می‌گیرد و مدلول مفهومی است که نشانه به آن ارجاع دارد.^۶ مفهوم برگرفته از ارتباط دال و مدلول، پیام را به صراحت یا از طریق معنای ضمنی، استعاره، کنایه و رمز منتقل می‌کند. ویژگی سکه‌های اشکانی در این مقاله، مبتنی بر دو نشانه بررسی می‌شود که عبارتند از: نشانه شمایل‌ی و نشانه نمادین.^۷ نشانه شمایل‌ی، بر اساس شباهت نشانه با

۱. سکه‌ها بر اساس شیوه دیوید سلوود شماره‌گذاری شده‌اند.

2. Ferdinand de Saussure

3. sign

4. significant

5. signify

6. Ferdinand de Saussure, (1976), *Course de Linguistique Generale*, Paris: Payot, p. 99,

Daniel Chandler, (2003), *Semiotics: the Basics*, London: Routledge, p. 18.

۷. چارلز سندرس پیرس، فیلسوف و زبان‌شناس امریکایی، (۱۹۱۴-۱۸۳۹)، نشانه‌ها را به سه گروه شمایل‌ی

(Icon)، نمایه‌ای (Indice) و نمادین (Symbol) تقسیم می‌کند. برای آگاهی بیشتر نک:

C. S. Peirce, (1982), *The Writings of Charles S. Peirce: A Chronological Edition*. Vol. 2, Eds. Peirce Edition Project, Bloomington I.N: Indiana University Press, p. 56.

کماندار، اومفالوس و اورنگ ... ۳

موضوع، مانند تصویر حکمرانان اشکانی بر روی سکه، شناخته می‌شود.^۱ نشانه نمادین یا نشانه‌های قراردادی، به واسطه یک قانون به موضوع مرتبط می‌شوند^۲ و پس‌زمینه فکری و تجربی فرستنده و گیرنده پیام است که پیوند نماد با موضوع آن را ایجاد می‌کند^۳ مانند: تصویر اومفالوس بر سکه‌های اشکانی.

بدین ترتیب و بر اساس این کارکردهای نشانه، مبحث دلالت ضمنی^۴ مطرح می‌شود. در واقع، دلالت ضمنی بیانگر ارزش‌های ذهنی است که به واسطه صورت و کارکرد نشانه، به آن منسوب می‌شود.^۵ این مقاله ضمن مطالعه ویژگی‌های سکه‌شناختی و نشانه‌شناختی، در نهایت به بررسی دلالت ضمنی نشانه‌ها بر سکه‌های اشکانی در دوران مورد بحث می‌پردازد.

شناسایی و تحلیل سکه‌ها

نخستین تصویر نقش بسته بر پشت سکه‌های اشکانی، تصویر اشک اول با کمانی در دست و نشسته بر اورنگ است. تصویر اشک با لباس خاص اشکانیان و به ویژه کلاه آنان (باشلق) که تا پایان دوره اشکانی بر پشت بیشتر سکه‌ها به چشم می‌خورد، تأکید اشکانیان بر پیشینه قومی و پایداری بر سنن بومی نشان می‌دهد. همراهی واژه خودمختار یا مستقل^۶ در نخستین سکه‌های اشکانی با این تصویر، نیز مبین پیام اعلام استقلال و خودمختاری اشکانیان و تقابل با سلوکیان است. کمانی که در دست اشک اول قرار دارد و نقش کماندار نیز، از قدرت نظامی و خاستگاه آنها حکایت می‌کند. کمان و نیروی کمانداران قدرتی بود که اشکانیان همواره به آن مشهور بودند و موجب شکست و هراس نیروهای سلوکی و رومی می‌شد.^۷ عبارت «تیر پارتی»^۸ نیز قرن‌ها بعد به فرهنگ واژگان انگلیسی راه یافت.

1. Ibid.

2. Ibid.

3. Ibid.

4. Connotation

۵. فهیمه پهلوان، (۱۳۹۰)، *ارتباط تصویری از چشم‌انداز نشانه‌شناسی*، تهران: دانشگاه هنر، ص ۹۱.

۶. اتوکرات / ΑΥΤΟΚΡΑΤΟΡΟΣ.

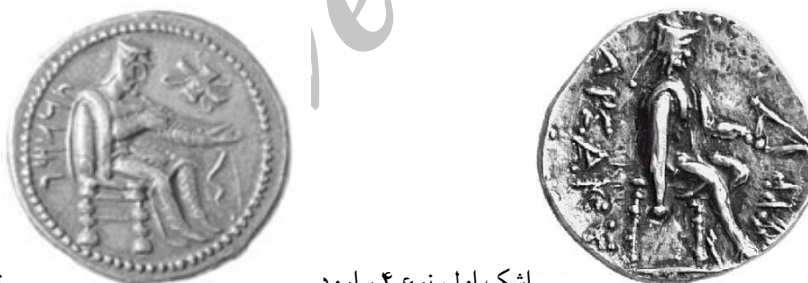
7. Dio, *Roman History*, Translation by Earnest Cary, Loeb Classical Library, Vol. III, Book XL, Harvard: Harvard University Press, pp. 2-5.

8. Parthian Shot



اشک اول، نوع ۲/۱ سلوود ضرب احتمالی نیسا

نقش کماندار بر پشت درهم‌های دوره اشکانی به جز دوران ونن اول (۸-۱۲ م.)، به سمت راست است. نمای کلی این طرح به سکه تارکامووا^۱ شهرت / ساتراپ هخامنشیان در تارسوس^۲ و کاپادوکیه،^۳ شباهت دارد که در قرن چهارم پ.م ضرب شده است.^۴ طرح کلاه، شال روی شانه و طرح اورنگ و کمان کاملاً یکسان است؛ بنابراین برخی محققان این شباهت را تصادفی نمی‌دانند و معتقدند طرح سکه‌های ارشک احتمالاً اقتباسی از سکه‌های تارکامووا است.^۵



تارکامووا

اشک اول، نوع ۴ سلوود

در دوران حکمرانی مهرداد اول (۱۳۸ پ.م - ۱۷۱ پ.م)، نیز طرح اشک اول با کمسانی در

1. Tarkamuwa
2. Tarsus
3. Cappadocia

۴. تحقیقات پیشین، این سکه را به داتامس Datames منسوب می‌کرد. برای آگاهی بیشتر نک: ارنست بابلون، (۱۳۸۸)، *سکه‌های ایران در دوران هخامنشی*، ترجمه ملکزاده بیانی، خانابا بیانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی - پایزنه، ص ۴۶.

5. Vesta Sarkhosh Curtis, (2007), "Religious Iconography on Ancient Iranian Coins." In: *After Alexander: Central Asia before Islam*, Cribb, Joe and Herrmann, Georgina (edd.), Oxford: Oxford University Press, p. 415.

کماندار، اومفالوس و اورنگ ... ۵

دست بر پشت سکه‌ها، نقش بسته است؛ اما اینک اشک اول یا کماندار به جای اورنگ، نشسته بر اومفالوس^۱ مجسم شده؛ که طرحی برگرفته از سکه‌های سلوکی است.



مهرداد اول، نوع ۷/۱ سلوود

بر طبق اساطیر یونانی، اومفالوس سنگی است که نشان دهنده مرکز جهان و محلی که ایزد یونانی، آپولو،^۲ (ایزد عقل، نور، حقیقت و پیشگویی)،^۳ پیتون،^۴ ازدهای دلفی،^۵ را از بین برد و معبد خود را بر آن بنا نهاد.^۶ سنگ آیینی یا اومفالوس، به دست آمده در نزدیکی گنجینه بوئتیا،^۷ واقع در بخش جنوبی معبد زئوس در دلفی، نشانی از این داستان اساطیری است.



نمونه رومی اومفالوس در موزه دلفی



سنگ اومفالوس در گورستان دلفی

1. Omphalos

۲. برای آگاهی بیشتر از ویژگی‌های آپولو نک:

Robert Graves, (1973), *The Greek Myths: 1*, Great Britain, Penguin Books, pp. 76-82

3. Malcolm Couch, (1997), *Greek and Roman Mythology*, New York: Todtri, p. 46.

4. Python

5. Delfi

6. *The Greek Myths: 1*, p. 76.

7. Boetia

در هنر یونان و روم، آپولو گاه نشسته بر اومفالوس مجسم می‌شود؛ نشانه تصویری مرتبط با اسطوره آپولو و اومفالوس به صورت تصویر نیم‌رخ آپولو نشسته بر این سنگ، از نماد تسلط آپولو بر مرکز جهان و قدرت او در پیشگویی آینده حکایت می‌کند. مجسمه‌ای از این تصویر در موزه اسکندریه نگهداری می‌شود.^۱



تصویر آپولو نشسته بر اومفالوس، از تصاویر متداول در سکه‌های سلوکی است. این تصویر نخستین بار، بر سکه‌های اواخر دوران حکمرانی سلوکوس اول (۲۵۱ پ.م-۳۵۸ پ.م) و همزمان با مشارکت آنتیوخوس اول (۲۶۱ پ.م-۲۸۱ پ.م) در حکومت، ضرب شد.^۲ انتخاب این تصویر از افسانه‌ای نشأت گرفته است که در کتاب ژوستین؛ مورخ رومی، نقل شده و تولد سلوکوس اول را با آپولو مرتبط می‌داند.^۳ اگرچه آپین؛ مورخ رومی قرن دوم میلادی (۹۵-۱۶۵ م.)، پیش از ژوستین نیز در بیان تولد سلوکوس استعاراتی به کار برده است،^۴ که برخی محققان آن را به عنوان نقش آپولو در تولد وی تفسیر می‌کنند.^۵ پیش از

1. Alan J. B. Wace, (1902/1903), "Apollo Seated in the Omphalos: A Statue at Alexandria," *The Annual British School at Athens*, Vol. 9, pp. 211-242.

2. Kyle Erickson, (2009), *The Early Seleucids, Their Gods and Their Coins*, PhD. Thesis, Vol. 1, Exeter: University of Exeter, p. 38.

3. M. Junianus Justinus, (2011), *Epitome of the Philippic History of Pompeius Trogus*, Vol. II, Books 13-15, The Successors to Alexander the Great, translation and appendices by the J. C. Yardley, Commentary by Pat Wheatley and Waldemar Heckel, Oxford: Oxford University Press, 15.4. 2-7.

4. Appianus, (1912), *Roman History, Syrian Wars*, tr. Horace White, ed. John Dewar Denniston, Edgar Iliff Robson, 56.

5. D. Ogden, (2011), *Alexander the Great: Myth, Genesis and Sexuality*, Exeter, Exeter University Press, Chapter 4.

کماندار، اومفالوس و اورنگ ... ۷

این نیز چنین افسانه‌ای برای تولد اسکندر و آگوست بیان شده بود.^۱ ژوستین، تولد سلوکوس را به آپولو نسبت می‌دهد و چنین روایت می‌کند که لائودیسه،^۲ مادر سلوکوس و همسر آنتیوخوس سردار فیلیپ مقدونی، آپولو را در رویایی می‌بیند و آپولو تولد نوزادی را به او نوید می‌دهد.^۳ بنا بر این است که آپولو نیای اساطیری سلوکیان به شمار می‌رود.^۴ سکه آنتیوخوس اول (۲۸۱-۲۶۱ پ.م)، (سمت راست) که از کاوش‌های آی‌خانوم در افغانستان به دست آمده است، آپولو را نشسته بر اومفالوس با کمان در دست چپ و تیر در دست راست، نشان می‌دهد. نمونه‌های نقره با این طرح نیز در دست است. (سمت چپ) این طرح بر روی بیشتر سکه‌های حکمرانان سلوکی به چشم می‌خورد.^۵



سکه‌های آنتیوخوس اول (۲۶۱-۲۸۱ پ.م)

بنا بر این، تصویر اشک اول یا کماندار نشسته بر اومفالوس در سکه‌های مهرداد اول، آن گاه که با پیشرفت‌های نظامی و سیاسی وی در رویاروی با سلوکیان مد نظر قرار می‌گیرد؛^۶ از

1. *The Early Seleucids, Their Gods and Their Coins*, p. 39.

2. Laodicea

3. *Epitome of the Philippic History of Pompeius Trogus*, 15. 4. 2-7

4. C. B. Welles, (1934), *Royal Correspondence in the Hellenistic Period: A study in Greek Epigraphy*. USA: New Haven, Letter of Seleucus I to Miletus. 288/7 B.C, p. 36.

5. Georges Le Rider, (1965), *Suse sous les Séleucides et les Parthes: les trouvailles monétaires et l'histoire de la ville*, Paris: Librairie Orientaliste Paul Geuthner, Pl. II-VIII.

۶. برخی از پژوهشگران تاریخ اشکانیان، مهرداد اول را «بانی حقیقی» متصرفات اشکانیان، «اولین شاه بزرگ اشکانی که دولت پارت را به مقام یک امپراتوری شرقی رسانید» و «نخستین شاهنشاه» معرفی می‌کنند. برای آگاهی بیشتر نک: یوزف ولسکی، (۱۳۸۶)، *شاهنشاهی اشکانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس، ص ۹۷، ۹۱؛

A.D.H. Bivar, (1983), "The Political History of Iran under the Arsacids," *The Cambridge History of Iran*, Vol. 3 (1), Cambridge: Cambridge University Press, p. 93.

منظر نشانه‌شناختی، دلالت ضمنی بر این دارد، که مهرداد با این تصویر درصدد بیان قدرت و تسلط اشکانیان بر نماد یونانی اومفالوس بود که در فرهنگ اساطیری و نمادین، به عنوان نماد مرکز جهان تعبیر و تفسیر می‌شود و سلوکیان موجودیت خود را مدیون صاحب اساطیری آن، یعنی آپولو بودند.

تصویر اشک اول یا کماندار نشسته بر اومفالوس در سکه‌های چند حکمران متوالی یعنی فرهاد دوم (۱۲۷ پ.م - ۱۳۸ پ.م)، اردوان اول (۱۲۴ پ.م - ۱۲۷ پ.م) و سکه‌های مهرداد دوم (۸۸ پ.م - ۱۲۳ پ.م) نوع ۲۳، ۲۴ و ۲۵ سلوود نیز به چشم می‌خورد. گذشته از این که اومفالوس نقطه مشترک تشابه سکه‌های نقره فرهاد دوم، اردوان اول و سکه‌های مهرداد دوم با برخی حکام سلوکی است؛ نمای کلی دو تصویر نیز از عناصر مشترک برخوردار است. در واقع، تصویر اشک اول به صورت کماندار و آپولو با تیروکمانی در دست، طراحی شده است، با این تفاوت که آپولو کمابیش به کمان در دست چپ خود تکیه کرده است و تیر را در دست راست گرفته است که از فراغت وی از رویارویی با پیتون (ازدهای دلفی) و آرامش او حکایت می‌کند. در حالی که کماندار اشکانی اگرچه حالتی آرام دارد، کمان را به نشانه قدرت پارت‌ها در دست گرفته است.

اما در چهاردرهمی‌های نوع ۱۴ سلوود متعلق به فرهاد دوم، تصویر آپولو نشسته بر اومفالوس جایگزین تصویر ارشک کماندار می‌شود. این نقش به طرح سکه‌های سلوکی شباهت دارد. ضرب این سکه‌ها را می‌توان به دورانی نسبت داد که فرهاد دوم برای رویارویی با آنتیوخوس هفتم^۱ (۱۲۹ پ.م - ۱۳۸ پ.م)، درصدد جلب حمایت مهاجرنشین‌های یونانی ایالت ماد بود.^۲



فرهاد دوم نوع ۱۴/۱ سلوود

1. Antiochus VII

۲. برای آگاهی بیشتر از سیاست فرهاد دوم برای رویارویی با آنتیوخوس هفتم؛ نک: شاهنشاهی اشکانی،

کماندار، اومفالوس و اورنگ ... ۹

طرح آپولو نشسته بر اومفالوس در سکه‌های حکام الیمایی نیز به کار رفته است.^۱ از جمله سکه‌های کامنسکیرس دوم نیکه‌فوروس^۲ (۱۴۵-۱۳۹ پ.م)، اوکوناپسس^۳ (حدود ۱۳۹ و ۱۳۸ پ.م)، تیگرائیوس^۴ (حدود ۱۳۲-۱۳۸ پ.م) و داریوش^۵ (حدود ۱۲۹ پ.م). در این سکه، تصویر آپولو نشسته بر اومفالوس با کمانی در دست چپ و تیری در دست راست به چشم می‌خورد. محدوده زمانی ضرب این طرح، در سکه‌های حکام الیمایی با دوران حکمرانی فرهاد دوم (۱۲۷ پ.م-۱۳۸ پ.م)، همزمان است. در واقع، این طرح ابتدا در سکه‌های کامنسکیرس دوم شناسایی شده است و چنین به نظر می‌رسد که فرهاد دوم این طرح را از سکه‌های او اقتباس کرده است.



به ترتیب از راست به چپ: سکه اوکوناپسس، سکه تیگرائیوس، ضرب شوش

سلوود در صفحه ۵۵ کتاب خود، سکه نوع ۱۸/۲ را با همین طرح معرفی می‌کند؛^۶ با این

1. *Suse sous les Séleucides et les Parthes: les trouvailles monétaires et l'histoire de la ville*, p. 289.

2. Kamnaskires II Nikephoros

3. Okkonapses

4. Tigraios

5. Darius

۶. نوع ۱۸ و زیرمجموعه‌ی آن از سکه‌هایی است که سلوود از آنها با عنوان Inter-regnal یا به عبارتی بیناسلطنتی یاد می‌کند. وی معتقد است که این سکه‌ها در حدود ۱۲۷ پ.م و پس از مرگ ناگهانی فرهاد دوم ضرب شده‌اند و متصدیان ضرابخانه تا دوران به قدرت رسیدن اردوان اول، این سکه‌ها را ضرب کرده‌اند. برای آگاهی بیشتر نک:

تفاوت که شاخه گیاه احتمالاً خوشه گندم در دست آپولو است. بدین ترتیب، در این سکه نماد برکت جایگزین نماد قدرت می شود.^۱



برگرفته از طرح نوع ۱۸/۲ سلوود

در درهم های فرهاد دوم نیز نقش اشک اول جایگزین آپولو می شود که در واقع بازگشتی به طرح آغازین پشت سکه های اشکانی است، اما اشک در جهت مخالف تصویر آپولو و همانند سکه های مهرداد اول طراحی شده است.



نوع ۱۵/۲ سلوود

در سکه مهرداد دوم، نوع ۲۴ سلوود، طرح شاخه نخل به نقش فرماندار نشسته بر اومفالوس افزوده شده است که کمابیش طرح سکه نوع ۱۸/۲ سلوود را تداعی می کند؛ با این تفاوت که فرماندار جایگزین آپولو شده است. چنین سکه هایی در سلوکیه ضرب شده اند.



مهرداد دوم، نوع ۲۴ سلوود

David Sellwood, (1980), *An Introduction to the Coinage of Parthia*, London: Spink & Son Ltd, Bibliography, p. 54.

۱. تصویر اصل این سکه به دست نیامده و از طرح سلوود استفاده شده است.

نکته شایان توجه این است که در سکه‌های مهرداد دوم، نوع ۲۶ که تصویر سالخورده او را به نمایش می‌گذارند، تصویر اومفالوس از سکه‌ها حذف و نقش اورنگ یا تخت سلطنت، مشابه طرح سکه‌های آغازین ارشک اول، جایگزین آن می‌شود. در این سکه، مهرداد دوم علاوه بر کمان یک تیر هم در دست دارد.



مهرداد دوم، نوع ۲۶ سلوود

درواقع مهرداد دوم، تقریباً یک دهه پس از به قدرت رسیدن، موفق شد مرزهای غربی ایران را تا رود فرات گسترش دهد. (۱۱۳ پ.م) حذف اومفالوس و افزودن اورنگ یا تخت شاهی در سکه‌های نوع ۲۶ سلوود را می‌توان به این دوران نسبت داد. در مرحله بعد، تغییر دیگری در طرح این سکه‌ها اعمال می‌شود و لقب *شاه شاهان / بازیلیوس بازیلیون*^۱ به متن نوشتاری این سکه‌ها اضافه می‌شود که لقب پادشاهان هخامنشی را تداعی می‌کند.

مهرداد دوم در الواح میخی بابلی که به محدوده زمانی مارس - آگوست (بهار - تابستان) سال ۱۱۱ پ.م تا حدود نیمه سال ۹۱ پ.م، مربوط است نیز با معادل بابلی چنین لقبی یعنی *šar šarrani*^۲ معرفی شده است.^۳ لو ریدر ضمن بررسی سکه‌های باز یافته از شوش، سال ۱۰۹ پ.م را برای استفاده از این لقب در سکه‌های مهرداد دوم پیشنهاد می‌کند.^۴ در هر حال، نکته درخور توجه این است که تصویر اشک نشسته بر اومفالوس، به منزله تداعی‌کننده مرکز جهان در دوران رویارویی با سلوکیان، از مفهوم تبلیغی خاص برخوردار

1. ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΒΑΣΙΛΕΩΝ

2. šar šarrani

۳. درخصوص محدوده‌ی زمانی استفاده از این لقب در دوره اشکانی، نظرات مختلفی بیان شده است. برای آگاهی بیشتر نک:

Rahim Shayegan, (2011), *Arsacids and Sasanians: Political Ideology in Post-Hellenistic and Late Antique Persia*, Cambridge: Cambridge University Press, p. 43, ff. 22.

4. *Suse sous les Séleucides et les Parthes: les trouvailles monétaires et l'histoire de la ville*, pp. 389-390.

بود. مبنی بر این که، اشکانیان منطق بر دیدگاه اساطیری سلوکیان، بر مرکز جهان تکیه زده‌اند؛ اما پس از شکست سلوکیان از مهرداد دوم، طرحی منطبق بر نمادهای ایرانی جایگزین می‌شود. طرح اورنگ که به تخت سلطنت حکمرانان هخامنشی و ساتراپ‌های آنها شباهت دارد؛ تصویر حکمرانان اشکانی تا دوران اضمحلال این سلسله، همواره نشسته بر همین اورنگ بر سکه‌ها مجسم شده است. در توصیف دیو کاسیوس) از ملاقات فرهاد چهارم با نماینده مارک آنتونی،^۱ به تخت زرینی اشاره شده است که شاه اشکانی با کمانی در دست بر آن نشسته بود.^۲ این اورنگ باستانی، نزد حکمرانان اشکانی اهمیت بسیار داشت،^۳ و یکی از اهداف حکمرانان روم نیز دستیابی به این اورنگ بود.^۴



تصاویری از اورنگ به ترتیب از راست به چپ: تارکامووا، تارسوس قرن چهارم پ.م؛ داریوش اول (۵۵۰ پ.م - ۴۸۶ پ.م) نقش برجسته تخت جمشید، کاخ خزانه (موزه ملی ایران)؛ مهرداد دوم (۱۲۳ پ.م - ۸۸ پ.م) نوع ۲۶ سلوود

1. Mark Antony
2. Dio, Vol. V, Book xlix, 27, 4.
3. George Rawlinson, (2002), *The Seven Great Monarchies of the Ancient Eastern World*, New Jersey: Gorgias Press, p.181.
4. *The Political History of Iran under the Arsacids*, p. 90.

نتیجه

نخستین حکمرانان اشکانی، حضور سیاسی خود را با ضرب تصویر کمانداری بر تخت نشسته و با شعار اتوکرات یا خود مختار و مستقل، اعلام کردند. این کماندار که از نگاه مطالعات نشانه‌شناسی و شواهد تاریخی می‌تواند به منزله‌ی نشانه شمایی از نخستین حکمران اشکانی تعبیر شود یا نشانه نمادینی از قدرت نظامی اشکانیان باشد، به مرور با ادامه رویارویی اشکانیان با سلوکیان در دوره‌ی مهرداد اول، در حالت نشسته بر اومفالوس مجسم شده است. این نشانی بود از توجه اشکانیان به نمادهای اساطیری که یونانیان برای تبیین مشروعیت خود بین یونانی تبارهای متصرفاتشان، از آن کمک می‌گرفتند. اینک کماندار اشکانی به عنوان نمادی از قدرت مهرداد اول، بر اومفالوس یعنی مرکز جهان مسلط بود. از نظر نشانه‌شناسی، دلالت ضمنی کماندار اشکانی نشسته بر اومفالوس، مبین غلبه مهرداد اول بر سلوکیان است.

با گسترش متصرفات اشکانیان در دوره مهرداد دوم و آن هنگام که با فتح بخش درخور توجهی از بین‌النهرین و اخراج سلوکیان از منطقه، خاطره اوج قدرت هخامنشیان زنده شد، طرح کماندار نشسته بر اورنگ ایرانی بر سکه‌ها نقش بست. ترکیب این نشانه شمایی و نمادین با نشانه‌ی نوشتاری شاه شاهان، از توجه اشکانیان به سنت‌های بومی و ایرانی حکایت دارد. از این پس، تصویر اورنگ یا تختی که حکمرانان اشکانی بر آن نشسته‌اند، یکسان باقی ماند. این تخت همان «تخت زرین» یا نماد معروف قدرت اشکانیان است که رومی‌ها درصدد تملک آن بودند. بدین ترتیب، حذف اومفالوس، استفاده از طرح اورنگ و پس از آن کاربرد لقب کهن و باستانی «شاه‌شاهان» در دوران مهرداد دوم، تأکیدی بود بر سنن ایرانی تکیه بر تخت پادشاهی که بازگشت به دوران شکوه هخامنشی را تداعی می‌کرد.

فهرست منابع و مآخذ

- بابلون، ارنست، (۱۳۸۸)، *سکه‌های ایران در دوران هخامنشی*، ترجمه ملک‌زاده بیانی، خانابا بیانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی - پایتیه.

- پهلوان، فهیمه، (۱۳۹۰)، *ارتباط تصویری از چشم‌انداز نشانه‌شناسی*، تهران: دانشگاه هنر.

- ولسکی، یوزف، (۱۳۸۶)، *شاهنشاهی اشکانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

لاتین:

- Appianus, (1912), *Roman history*, tr. Horace White, ed. John Dewar Denniston, Edgar Iliff Robson. Harvard: Harvard University Press.

- Bivar, A.D.H., (1983), "The Political History of Iran under the Arsacids," *The Cambridge History of Iran*, Vol. 3 (1), Cambridge: Cambridge University Press, pp. 21-97.

- Chandler, Daniel, (2003), *Semiotics: the Basics*, London: Routledge.

- Couch, Malcom, (1997), *Greek and Roman Mythology*, New York: Todtri.

- Curtis, Vesta Sarkhosh, "Religious Iconography on Ancient Iranian Coins." In: Cribb, Joe and Herrmann, Georgina (edd.), *After Alexander: Central Asia before Islam* (Proceedings of the British Academy, 133), Oxford: Oxford University Press, 2007.

- Dio (1969), *Roman History*, Translation by Earnest Cary, Loeb Classical Library, Vols. III, V, Harvard: Harvard University Press.

- Erickson, Kyle, *The Early Seleucids, Their Gods and Their Coins*, PhD. Thesis, Vol. 1, Exeter: University of Exeter.

- Graves, Robert, (1973), *The Greek Myths: 1*, Great Britain, Penguin Books.

- Justinus, M. Junianus, (2011), *Epitome of the Philippic History of Pompeius Trogus*, Vol. II, Books 13-15, The Successors to Alexander the Great, translation and appendices by the J. C. Yardley, Commentary by Pat Wheatley and Waldemar Heckel, Oxford: Oxford University Press.

- Le Rider, Georges, (1965), *Suse sous les Séleucides et les Parthes: les trouvailles monétaires et l'histoire de la ville*, Paris: Librairie Orientaliste Paul Geuthner.

- Ogden, D., (2011), *Alexander the Great: Myth, Genesis and Sexuality*. Exeter, Exeter University Press.

- Peirce, C. S., (1982), *The Writings of Charles S. Peirce: A Chronological Edition*. Vol. 2, Eds. Peirce Edition Project, Bloomington I.N: Indiana University Press.

- **Rawlinson, George, (2002), *The Seven Great Monarchies of the Ancient Eastern World*, New Jersey: Gorgias Press.**

- Saussure, Ferdinand, de, (1976), *Course de Linguistique Generale*, Paris: Payot.

- Sellwood, David, (1980), *An Introduction to the Coinage of Parthia*, London: Spink & Son Ltd, Bibliography.

- Shayegan, Rahim, (2011), *Arsacids and Sasanians: Political Ideology in Post-Hellenistic and Late Antique Persia*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Wace, Alan. J.B., (1902/1903), "Apollo Seated in the Omphalos: A Statue at Alexandria," *The Annual British School at Athens*, Vol. 9, pp. 211-242.

- Welles, C.B., (1934), *Royal Correspondence in the Hellenistic Period: A study in Greek Epigraphy*. USA: New Haven.